

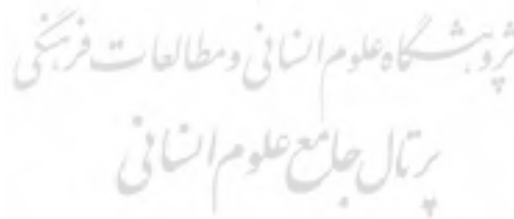
## **A Study of Practical Topics in the Educational Title of Arabic Language and Literature and a Critical Discourse Analysis of the Book *Hijrat al-Nusus, Studies in Literary Translation and Cultural Exchange* by Abdoh Abboud**

Sayed Esmail Ghasemi Musavi\*

### **Abstract**

The book "Hijrat al-Nusus, Studies in Literary Translation and Cultural Exchange" written by Abdo Abboud is one of the important and at the same time few works that deals with the issue of translation in comparative literature and the importance of translation in intercultural relations and the benefits of these relations. Arabic language teaching in Germany and vice versa and ... is explained. The present article tries to use a descriptive-analytical method in addition to examining the possible positive and negative features of the book and the ability to suggest it as a textbook, according to the expression of the author's social views and opinions in the field of cultural policy; Also, considering the capabilities and tools of critical discourse analysis, examine this article with some tools of this approach and finally come to the conclusion that the most important of them can be summarized in the following cases: Reflection The author's concerns about the poor performance of Arabs in the field of intercultural relations, leaving the field to Israel in this regard, Israel abusing these conditions and trying to paint a negative image of Arabs in the public mind in the world and also the importance of translation in intercultural relations, interests Abundant for the Arabs in these relations, etc., are among the issues that have a high frequency in the book due to their importance in the eyes of Abdu Abboud.

**Keywords:** Critique of Hijra al-Nusus; Abdo Abboud; Critical Discourse Analysis; Translation and Intercultural Relations.



---

\* Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Lorestan University, Lorestan, Iran, ghasemi.es@lu.ac.ir

Date received: 2020-10-24, Date of acceptance: 2021-3-17

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بررسی مضامین کاربردی در سرفصل آموزشی رشته زبان و ادبیات عربی و تحلیل گفتمان انتقادی کتاب هجرة النصوص، دراسات فی الترجمة الأدبية و التبادل الثقافي نوشته

عبده عبود

سیداسماعیل قاسمی موسوی\*

### چکیده

کتاب هجرة النصوص، دراسات فی الترجمة الأدبية و التبادل الثقافي نوشته عبده عبود، از جمله آثار مهم و در عین حال اندکی است که به مسئله ترجمه در ادبیات تطبیقی پرداخته و در آن اهمیت ترجمه در روابط بینافرهنگی و منافع این روابط، آموزش زبان عربی در آلمان و بالعکس و... تبیین شده است. در مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی تلاش شده تا گذشته از بررسی مضامین این کتاب و قابلیت پیشنهاد آن به منزله منبع درسی در رشته زبان و ادبیات عربی، با توجه به بیان دیدگاه‌های اجتماعی و نظرات نویسنده در زمینه سیاستگذاری فرهنگی، و نیز با توجه به قابلیت‌ها و ابزارهای تحلیل گفتمان انتقادی، این اثر در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین که در رویکرد تحلیل انتقادی فرکلاف بدان‌ها توجه می‌شود، بررسی شود. بازتاب نگرانی‌های مؤلف از عملکرد ضعیف عرب در زمینه روابط بینافرهنگی، واگذار کردن میدان به اسرائیل در این زمینه، سوء استفاده اسرائیل از این شرایط و سعی در ترسیم تصویری منفی از عرب در اذهان عمومی در جهان و همچنین اهمیت ترجمه در روابط بینافرهنگی، منافع فراوان برای عرب در این روابط و... از مسائلی هستند که به سبب اهمیت در دید عبده عبود، در کتاب بسامد بالایی دارد.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب هجرة النصوص، عبده عبود، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه و روابط

بینافرهنگی

\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران، ghasemi.es@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۷

موضوع ترجمه و ارتباط آن با علوم و مسائل ادبی و زبان همچون ادبیات تطبیقی، مطالعات بینامتنیت، خوانش آثار ادبی در زبان بیگانه و... از جمله موضوعات و مسائلی است که در مطالعات زبان و ادبیات توجه چندانی را به خود جلب نکرده است و پرداختن به چنین موضوعاتی را با توجه به اهمیت ترجمه در جهان امروز می‌توان امری بسیار پراهمیت و سودمند دانست و از جمله علل عدم توجه به ترجمه و ترجمه متون ادبی در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، می‌توان به نگاه دونی و دست دوم دانستن ترجمه، اشاره کرد و حتی برخی از منتقدان و صاحب‌نظران ترجمه را گاه به استنساخ محض متون دیگر زبان‌ها تقلیل می‌دهند: هنر ترجمه، هنری فرعی و اشتقاقی است. بر این مبنا، هرگز شأن و اعتبار اثر اصلی را برای آن قائل نشده‌اند و در داوری عام درباره ادبیات لطمه فراوانی دیده است؛ و همین به بی‌مقدار کردن طبیعی ارزش ترجمه سبب شده است که معیار مطلوب تنزل کند و دوران‌هایی هم هنر ترجمه را کمابیش از میان ببرد؛ بدفهمی مرتبط با خصلت ترجمه، به تباهی آن افزوده است و علاوه بر اینکه از اهمیت آن آگاه نشده‌اند، به دشواری آن نیز پی نبرده‌اند ... (باست، ۱۳۹۰، ص. ۷۱).

باتوجه به همین تنزل درجه متون ترجمه‌شده نسبت به متون اصلی زبان‌ها، ایتامار اون زوهر، پژوهشگر بارز مطالعات ترجمه، به جایگاه حاشیه‌ای ترجمه در نظام چندگانه ادبی و پیامدهای آن در ادبیات اشاره می‌کند (برای اطلاعات تکمیلی نک: مقاله اون زهر با عنوان «جایگاه ادبیات ترجمه‌شده در نظام چندگانه ادبی»، در هولمز و همکاران، ۱۳۹۰، صص. ۳۷-۴۸؛ طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۷۱) که بر همین اساس می‌توان به جایگاه حاشیه‌ای ترجمه در مطالعات ادبیات تطبیقی نیز اشاره کرد.

از جمله نظریه‌پردازان نامدار ادبیات تطبیقی در جهان عرب که به موضوع ترجمه، نقش آن در نظام ادبی و ترجمه در ادبیات تطبیقی پرداخته و در این زمینه تحقیقاتی انجام داده است، می‌توان به عبده عبود (متولد ۱۹۴۲م) اشاره کرد. عبود در کتاب *هجرة النصوص، دراسات فی الترجمة الأدبیه و التبادل الثقافی* (مهاجرت متون پژوهش‌هایی در ترجمه ادبی و تبادل فرهنگی، ۱۹۹۵) به مسائلی مهم در زمینه ترجمه ادبی، ادبیات تطبیقی، مسائل آموزش زبان در کشورهای بیگانه و تأثیر آن بر حرکت ترجمه، ادبیات و حتی آثار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی مترتب بر وجود ارتباط فرهنگی و ادبی بین کشورها و... پرداخته و از این رهگذر زبان آلمانی را که زبان خارجی تخصصی اوست، برای نمونه بررسی کرده است. عبود در کتاب خود به کرات

بررسی مضامین کاربردی در سرفصل آموزشی رشته زبان و ادبیات عربی و... ۱۷۳

به مسائل فرهنگی، اجتماعی و ادبی اشاره می‌کند و در این میان به بررسی و نقد دیدگاه‌های موافقان و مخالفان ترجمه، طرفداران عزلت و طرفداران ارتباطات گسترده فرهنگی و... می‌پردازد.

از سوی دیگر رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی از جمله رویکردهای نقد ادبی است که به سبب چارچوب نظری روشن، ابزارهای فراوان و کارآمد شیوه‌ای مناسب برای تحلیل متون به شمار می‌رود و شمار فراوان و تنوع متونی که با این رویکرد بررسی و نقد شده‌اند، خود می‌تواند شواهدی بر قابلیت‌های این شیوه نقدی در بررسی متون باشد، چراکه در این شیوه متن از زوایا و در سطوح مختلف بررسی می‌شود.

کشف نظام دلالتی نشانه‌های زبانی در هر زبان، به فهم گفتمان‌های درون آن بستگی دارد ... در هر متن، معنای گزاره‌ها و قضایا وابسته به این است که دریابیم آن‌ها توسط چه کسی، خطاب به چه کسی، درباره چه کسی، در چه زمان و در چه مکانی به کار رفته‌اند، در بررسی گفتمانی هر متن، تناسب تولید متن، گفتمان غالب، موقعیت تولید، زمان و مکان تولید، گوینده یا نویسنده متن ... در نظر گرفته می‌شود. تلاش می‌شود زبان اجتماعی متن، کشف و احزاب و نهادهایی که متن بر آموزه‌های آنان استوار است، آشکار شوند و گفتمان‌های هم‌سو و متخاصم شناسایی شوند، و جایگاه در زمانی و در مکانی متن کشف گردد ... در سایه چنین تحلیلی می‌توان با درک عوامل اجتماعی شکل‌دهنده هر متنی به فهم بهتر و کامل‌تری از آن نائل آمد (صفایی و علیزاده جوبنی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۸).

با توجه به اینکه در نوشته عبود، دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مطرح و بررسی شده است و به نظر می‌رسد که جهان‌بینی در بیان و طرح بسیاری از مضامین و نحوه بیان مطالب در نوشته او تأثیر داشته است، تحلیل گفتمان انتقادی، می‌تواند چارچوبی مناسب برای نقد و بررسی کتاب *هجرة النصوص* باشد.

به بیان دیگر، با توجه به مسائل مهمی که در کتاب طرح شده، همچنین با توجه به کمبود منابع در زمینه ترجمه ادبی و ادبیات تطبیقی و نقش ترجمه در روابط بین‌فرهنگی، و نیز با در نظر گرفتن قابلیت‌های شیوه نقدی تحلیل گفتمان انتقادی در بررسی متون، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی به موضوع مورد بررسی یعنی نقد و بررسی کتاب *هجرة النصوص*، *دراسات فی الترجمة الأدبية و التبادل الثقافي*، در پی آن است که ابتدا مضامین کتاب عبود را با نمونه‌هایی از کتب دیگر با موضوع مشابه، مقایسه کند تا روشن شود که چه

مضامینی در این کتاب طرح شده است که می‌توان آن را نقاط قوت نوشته فرض کرد و چه مضامینی را نادیده انگاشته است که می‌توان آن را نقاط ضعف نوشته دانست و نیز روش شود که مضمون کتاب با عنوان و اهداف موردنظر نویسنده، همخوانی دارد یا خیر. پس از آن کوشش شده است که با بررسی کتاب از رهگذر تحلیل گفتمان انتقادی، توصیفی ژرف‌تر از این نوشته به دست آید. بر همین اساس نوشته حاضر کوشش دارد به دو پرسش اساسی پاسخ دهد:

- کتاب *هجرة النصوص، دراسات فی الترجمة الأدبية و التبادل الثقافي* در قالب تحلیل گفتمان انتقادی و در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین چه ویژگی‌هایی دارد؟
- مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب *هجرة النصوص* برای استفاده در سرفصل‌های آموزشی زبان و ادبیات عربی کدام‌اند و در کدام سرفصل‌ها قابلیت معرفی دارد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق حاضر، به‌طور کلی می‌تواند در سه محور تقسیم‌بندی شود: الف) پژوهش‌هایی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در تحلیل متون، ب) پژوهش‌هایی در زمینه رابطه ادبیات تطبیقی و ترجمه ادبی، ج) پژوهش‌های انجام‌شده در مورد عبده عبود و کتب او.

در محور نخست به دلیل شمار زیاد تحقیقات موجود که هرکدام نیز ویژگی‌ها و ارزش خود را دارند، برای پرهیز از اطناب، به ذکر نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها بسنده می‌شود. از مهم‌ترین منابع تحلیل گفتمان انتقادی کتاب‌های نورمن فرکلاف را می‌توان نام برد، از جمله *تحلیل گفتمان انتقادی* (۱۳۹۰) ترجمه شایسته پیران، مهاجر و نبوی. همچنین می‌توان به کتاب‌های ون دایک اشاره کرد، از جمله *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی* (۱۳۸۹). گذشته از این مقالاتی مانند «تحلیل زبان‌شناختی گفتمان‌ها رقیب در پرونده بوریس‌های تحصیلی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف» اثر آقاگل‌زاده و طارمی (۱۳۹۵) که مؤلفان به بررسی شیوه‌های بیانی روزنامه‌های در جناح رقیب در ایران بر سر موضع بوریس‌های تحصیلی پرداخته و تأثیر ایدئولوژی و مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی را در بیان این روزنامه‌ها در موضوع موردنظر، بررسی کرده‌اند. صفایی و علیزاده جوبنی (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل گفتمان و گفتمان طنز در شعر "حرف آخر" شاملو» به بررسی یک

شعر از شاملو با چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌اند. ملک مرزبان و فردوسی (۱۳۹۱) در مقاله «گفتمان حکومتی در گلستان سعدی» و نیز «تحلیل گفتمان صوفیانه در گلستان سعدی» (۱۳۹۳) با بهره‌گیری از شیوه تحلیل گفتمان انتقادی، به بررسی مفاهیم ژرف و تأثیر ایدئولوژی، قدرت و... در گلستان سعدی پرداخته‌اند. علاوه بر این تحقیقات که برای نمونه ذکر شد، از تحلیل گفتمان انتقادی به‌منزله چارچوب نظری تحلیل، در پایان‌نامه‌ها، مقالات و کتاب‌های دیگری نیز بهره گرفته‌اند که ذکر همه آن‌ها علاوه بر دور شدن از موضوع اصلی مقاله حاضر، در این مجال تنگ نمی‌گنجد.

منابع موجود در محور دوم تعدادشان کم‌تر است و از این منابع می‌توان به کتاب عنانی (۲۰۰۳) *الترجمة الأدبية بين النظرية والتطبيق*، بکار (۲۰۰۱) *الترجمة الأدبية إشكاليات ومزالق* و پایان‌نامه کارشناسی ارشد شوکت سبول (۲۰۰۵) با عنوان *الترجمة الأدبية بين النظرية والتطبيق* اشاره کرد که این منابع به موضوع ترجمه ادبی و مسائل نظری ترجمه ادبی، مسئله ترجمه ناپذیری، تعادل در ترجمه ادبی و مباحث مرتبط با خود عمل ترجمه ادبی می‌پردازند و به مسئله ارتباطات ادبی و فرهنگی توجهی ندارند. البته عبود (۱۹۹۹) در کتاب *الأدب المقارن مشكلات و آفاق* به مسئله ارتباطات فرهنگی و ادبی و رابطه آن با ترجمه اشاره‌ای داشته است. همچنین مقالاتی به ارتباط ترجمه ادبی و ادبیات تطبیقی پرداخته‌اند از جمله: انوشیروانی (۱۳۹۱) *ادبیات تطبیقی و ترجمه پژوهی؛ عزیزخانی و ایدر (۱۳۹۳) «ادبیات تطبیقی و ترجمه»*، السید (۲۰۰۷) *«الترجمة الأدبية و الأدب المقارن»* و...

با وجود این، طبیعتاً هیچ کدام گستردگی مباحث کتاب *هجرة النصوص* را ندارند و مسائلی همچون تأثیر ترجمه ادبی بر اقتصاد، روابط بین‌فرهنگی، سیاست بین‌المللی و... در این منابع، خلاف کتاب عبده عبود، نادیده انگاشته شده است.

در محور سوم یعنی پژوهش‌های انجام‌شده درباره عبده عبود و آثارش، می‌توان به مقاله پروینی (۱۳۹۴) با عنوان «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در جهان عرب، نقدی بر الأدب المقارن، مشكلات و آفاق» اشاره کرد که در این مقاله پروینی به نقد بررسی کتاب دیگری از عبود پرداخته و به مسائل ارزشمندی که در این کتاب طرح شده و دیدگاه وی در ادبیات تطبیقی و نگاهش به بومی‌سازی این علم اشاره کرده است. همچنین زرکوب (۱۳۷۷) مقاله «نقد ترجمه ادبی، اصول، توانایی‌ها و حدود آن» را از عبود با تلخیص جزئی به فارسی ترجمه کرده و گذشته از این می‌توان به گفت‌وگوی لاریسا بندر با عبود با عنوان «تبقى الترجمة أهم

قنوات الحوار بين الحضارات» (۲۰۰۵) اشاره کرد. با وجود این آثار ارزشمند، به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در میان منابع کم‌تر نوشته‌ای به مسئله ترجمه ادبی و ارتباطات بین‌المللی پرداخته است که از این جهت ارزش کتاب *هجرة النصوص* آشکار می‌شود و در میان تحقیقات انجام‌شده نیز پژوهشی را نیافتیم که به نقد و بررسی این کتاب پرداخته باشد.

### ۳. تعاریف

#### ۳-۱. آشنایی با عبده عبود

عبده عبود، پژوهشگر سوریه‌ای ادبیات تطبیقی، متولد ۱۹۴۲م در دیرعطیه<sup>۲</sup> است. او پس از آنکه مرحله ابتدایی را در النبک گذراند برای طی مرحله دبیرستان به دمشق رفت و پس از آن در دانشگاه دمشق رشته زبان و ادبیات عربی را در مرحله کارشناسی برگزید. سپس برای تحصیلات تکمیلی به آلمان اعزام و مدرک دکتری ادبیات تطبیقی را از دانشگاه فرانکفورت دریافت کرد. عبود بعد از بازگشت به دمشق، در دانشگاه البعث و دانشگاه دمشق مشغول به تدریس شد و هم‌زمان به عضویت انجمن ترجمه، انجمن نقد ادبی درآمد و در مجلات علمی مانند *مجلة الآداب الأجنبية* و *مجلة باسل الأسد* عضو هیئت تحریریه شد (پروینی، ۱۳۹۴، صص ۳-۴).

عبود آثار ترجمه‌ای، تألیفی و پژوهش‌های فراوانی در زمینه ادبیات تطبیقی، ترجمه ادبی، نظریه‌ی استقبال (نظریه خوانش) و... دارد که برخی از مهم‌ترین آثار او را می‌توان بدین شرح برشمرد:

- الف) کتاب‌های تألیفی:
- الترجمة و الإستقبال الأدبی، دراسة فی الروایة الألمانية المترجمة إلى العربية؛
  - روايات ألمانية فی الشرق العربی؛
  - الأدب المقارن، مدخل نظری ودراسات تطبیقیة؛
  - هجرة النصوص، دراسات فی الترجمة الأدبية و التبادل الثقافی؛
  - القصة الألمانية الحديثة فی ضوء ترجمتها إلى العربية.
  - دراسات فی الأدب المقارن.

ب) ترجمه‌ها:



- أنا زيفرز - المخبريون، قصص؛
- فالترهنيك - الدراما الحديثة في ألمانيا؛
- مجموعة من الكتاب: أجمل قصص الأطفال؛

ج) مقالات:

- تعلم اللغات الأجنبية في الوطن العربي نظرة على الأبعاد الاجتماعية الحضارية (۱۹۸۸)؛
- الرواية الألمانية الحديثة على ضوء تلقيها في العالم العربي (۱۹۸۹)؛
- القصة الألمانية في ترجماتها العربية: كتب المختارات القصصية نموذجاً (۱۹۹۶)؛
- الادب المقارن و الاتجاهات النقدية الحديثة (۱۹۹۹) و...

۲-۳. معرفی کتاب هجرة النصوص، دراسات في الترجمة الأدبية و التبادل الثقافي

کتاب هجرة النصوص، دراسات في الترجمة الأدبية و التبادل الثقافي، در سال ۱۹۹۵ از سوی انتشارات اتحاد کتاب العرب (اتحادیه نویسندگان عرب سوریه) در ۲۵۲ صفحه منتشر شده است. مطالب کتاب در پنج فصل با عنوان‌های ذیل نگاشته شده است:

۱. التوطئة (پیش درآمد؛ صفحات ۹-۶).
۲. الثقافة العربية و قضية الترجمة (فرهنگ عربی و مسئله ترجمه؛ صفحات ۲۹-۱۰).
۳. الأدب العربي مُرسلاً (ادبیات عربی به‌عنوان فرستنده؛ صفحات ۸۵-۳۰) که خود شامل دو بخش زیرمجموعه می‌شود: ۱-۳. كيف يُستقبل الأدب العربي في الغرب (چگونگی دریافت ادبیات عربی در غرب)، ۲-۳. دور الترجمة الأدبية في تشكيل صورة العرب في العالم (نقش ترجمه در ترسیم تصویر عرب در جهان)،
۴. من التواصل اللغوي إلى التبادل الثقافي (از ارتباط زبانی تا تبادل فرهنگی، صفحات ۱۴۷-۸۸) که خود شامل دو بخش زیرمجموعه می‌شود: ۱-۴. حول البعد الثقافي اللغوي في العلاقات العربية الألمانية (درباره بُعد فرهنگی - زبانی در روابط عرب با آلمان)، ۲-۴. نافذة العرب على المجتمع الألماني و ثقافته (پنجره عرب به جامعه و فرهنگ آلمان)،
۵. الأدب العربي مستقبلاً (ادبیات عربی به‌عنوان گیرنده، صص. ۲۴۷-۱۴۸) که خود چهار بخش زیرمجموعه دارد: ۱-۵. الرواية الألمانية في أحدث مراحل استقبالها عربياً (رمان آلمانی در

مرحله نخست دریافت در زبان عربی)، ۲-۵. روایات هرمان هیس و قصه فی ترجماتها العربية (ترجمه‌های عربی رمان‌ها و داستان‌های هرمان هسه)، ۳-۵. أدب الأطفال المترجم فی سوريا (ادبیات کودک ترجمه شده در سوریه) ۴-۵. حول دور الترجمة فی تطور النقد العربي الحديث نظرية التلقی نموذجاً (درباره نقش ترجمه در تحول نقد جدید عربی، بررسی موردی نظریه خوانش).

البته در نگاهی کلی می‌توان مضامین کتاب را در مجموع به دو بخش کلی تقسیم کرد: در بخش نخست به وضعیت ترجمه ادبی و ارتباطات زبانی، ادبی، فرهنگی و نیز آموزش زبان عربی در آلمان و آموزش زبان آلمانی در جهان عرب پرداخته است و زبان آلمانی به سبب تخصص نویسنده در این زبان و تحصیل او در کشور آلمان به منزله زبان بررسی‌های مورد این نوشته انتخاب شده است و در بخش دوم تمرکز بیشتر به بررسی ترجمه‌های انجام شده از ادبیات آلمانی به عربی، ترجمه از زبان واسطه، ادبیات کودک و پیامدهای ادبی ترجمه در ادبیات معاصر عربی مانند تحول نقد ادبی معطوف شده است.

علاوه بر این، در پایان هر بخش نیز نتیجه‌گیری یا خلاصه مباحث، پی‌نوشت‌های هر فصل و مهم‌ترین منابع آمده است که باعث می‌شود هر بخش از کتاب تقریباً مستقل از دیگر اجزاء شود و بیشتر یادآور ساختار مقاله‌های علمی باشد و همین هم باعث شده تا برخی مباحث همان‌گونه که در جدول شماره یک مشخص است، در نوشته تکرار و برخی مفاهیم بیش از یک‌بار تعریف شود.

از آنجا که بررسی انجام شده در مقاله حاضر، براساس نسخه عکسی کتاب است، شاید نتوان در مورد ویژگی‌های ظاهری کتاب با دقت سخن گفت و به همین سبب به بررسی مضامین کتاب پرداخته و سعی کرده‌ایم با توجه به عنوان، رویکرد و موضوعات مطرح شده در آن، علاوه بر اشاره به نقاط قوت یا کمبودهایی که با توجه به عنوان و اهداف کتاب قابل ذکر است و همچنین نقد بررسی کتاب هجرة النصوص، به امکان کار بست این کتاب در سرفصل آموزشی رشته زبان و ادبیات عربی نیز پردازیم که بر این اساس، می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره کرد:

- کتاب هجرة النصوص مجموعه‌ای از مقالات و تحقیقات منتشر شده یا منتشر نشده مؤلف در زمینه ترجمه و ادبیات تطبیقی است و همین باعث شده که گاه مطالب کتاب مستقل از

یکدیگر به نظر بیاید و هم‌زمان برخی از مطالب مهم مربوط به ترجمه ادبی در آن ذکر نشود و گاه نیز از مبحث ترجمه و ادبیات تطبیقی کاملاً دور شود و به روابط زبانی و آموزش زبان در کشورهای عربی و آلمان اختصاص یابد که البته دور از مباحث ترجمه ادبی و ادبیات تطبیقی نیست و در واقع به منزله زمینه‌های لازم برای پیدایش مترجمان ادبی مطرح شده است (نک: عبود، ۱۹۹۵، ص. ۹).

- در مقایسه کتاب *هجرة النصوص* با کتاب‌هایی با موضوع نظریه‌های ترجمه، برخی مباحث ارزشمند و بسیار مهم در نوشته عبود جلب توجه می‌کند که در بسیاری از کتاب‌های نظریه ترجمه چندان بدان‌ها اشاره نشده است؛ مانند مسئله روابط فرهنگی، آموزش زبان عربی در خارج و زبان‌های بیگانه در جهان عرب، ترجمه ادبی در زمینه ادبیات کودک، مسئله توازن یا یک‌طرفه بودن روابط ادبی زبان عربی با جهان خارج، ترجمه ادبی از زبان واسطه و نقاط ضعف احتمالی این نوع ترجمه، تأثیرهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی وجود روابط ادبی و ترسیم تصویر واقعی از عرب در جهان خارج، منافع دوطرفه ترجمه ادبی به زبان مبدأ و مقصد و... که بسیاری از این مطالب به سبب رویکرد نویسندگان کتاب‌های نظریه ترجمه، به مبحث ترجمه ادبی، و عدم توجه آن‌ها به ادبیات تطبیقی و روابط بین‌فرهنگی سرچشمه می‌گیرد. گذشته از این، نظریه‌پردازان ترجمه در جهان عرب، غالباً بر ترجمه ادبی بین زبان‌های انگلیسی و عربی یا فرانسوی و عربی تمرکز دارند، اما عبود درس‌خوانده آلمان است و تحقیقاتش بر ترجمه ادبی بین زبان عربی و آلمانی بوده است که همین مسئله با در نظر گرفتن تمرکز بسیاری از منابع ادبیات تطبیقی بر زبان انگلیسی، می‌تواند مزیتی برای کتاب عبود به شمار آید.

- در مقایسه با کتاب‌های ادبیات تطبیقی به زبان عربی نیز گرچه در این کتاب‌ها گاه به مسئله ترجمه ادبی و اهمیت آن در ادبیات‌ها و رابطه آن‌ها اشاراتی شده است، اما غالباً به ترجمه به‌عنوان واسطه تأثیر و تأثر بین ادیبان توجه شده است و کم‌تر به نقش ترجمه در ایجاد زمینه‌های مناسب این ارتباطات بین‌فرهنگی، تأثیر آن بر نظام‌های سیاسی، اقتصاد کشورها و نیز روابط بین‌ملت‌ها توجه شده است یا ترجمه ادبی به‌منزله مبحثی مستقل در یک کتاب، در زمینه ادبیات تطبیقی طرح نشده است؛ برای مثال در کتاب *آفاق الأدب المقارن* اثر حسام الخطیب، مهم‌ترین نکته، عدم توجه این کتاب به ترجمه، به‌ویژه ترجمه ادبی در ادبیات تطبیقی و روابط بین‌فرهنگی و نیز عدم توجه به مسئله آموزش زبان و اهمیت آن در زمینه ادبیات

تطبیقی است. در مجموع، می‌توان گفت: کتاب *هجرة النصوص* به مسئله مهم ترجمه در ادبیات تطبیقی و روابط بین‌فرهنگی توجه کرده است که در ادبیات تطبیقی چندان توجهی بدان نشده و نیازمند توجه بیشتر، هم در مطالعات ترجمه، هم در مطالعات ادبیات تطبیقی است. این مسئله با توجه به اهمیت ترجمه در جهان امروز و به‌ویژه در جهان عرب و همچنین منافع و ضرورت‌های ترجمه ادبی برای طرفین ترجمه، می‌تواند به‌منزله یکی از نقاط قوت و اهمیت نوشته عبود به‌شمار آید.

- از دیگر نقاط قوت کتاب عبود، علاوه بر نگارش روان و خوب کتاب و نداشتن خطاهای نگارشی، می‌توان به معرفی منابع اصلی هر مبحث در پایان بخش‌ها اشاره کرد که باعث می‌شود تا کتاب برای کاربرد در اهداف آموزشی مناسب باشد. از سوی دیگر در هر بخش تعداد زیادی مطالب تکمیلی به‌منزله پی‌نوشت آمده که به‌سبب انتقال به پایان بخش ممکن است این پی‌نوشت‌ها از دایره توجه برخی از خوانندگان خارج شود یا مراجعه به پایان فصل برای مطالعه پی‌نوشت باعث گسست در خواندن متن و دشواری برای مخاطب شود، اما باید توجه داشت که موضوعات جانبی و حاشیه‌ای به پی‌نوشت‌ها منتقل شده است که همین نکته می‌تواند از زاویه دید دیگر از نقاط مثبت کتاب به‌شمار آید.

- همچنین می‌توان به استفاده بسیار اندک از شکل و جدول در مورد کتاب *هجرة النصوص* اشاره کرد. تنها جدول به‌کار رفته در این کتاب در صفحه ۱۵۰ کتاب درباره شرح روند خوانش یک اثر ادبی در جهان عرب است که از آن نیز استفاده چندانی نشده و پس از آن نیز جمله‌ای آمده که بسیار ابهام‌آفرین است: بالنسبة للجدول سيتم تصويره و وضعه في مكانه تماماً (در مورد جدول) تصویر خواهد شد و دقیقاً در جای خود قرار خواهد گرفت! (عبود، ۱۹۹۵، ص. ۱۵۰). با خواندن این جمله‌ها این نکته به ذهن متبادر می‌شود که این‌ها ممکن است یادداشت‌های نویسنده برای چگونگی چاپ کتاب باشد.

- معادل لاتین برای نام‌های خاص و غالب اصطلاحات در غالب موارد ذکر نشده و در مجموع تنها برای اصطلاحات انگشت‌شماری معادل لاتین ذکر شده است.

- با نگاهی به شانزده سرفصل درسی فعال موجود در وب‌سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری *هجرة النصوص* از میان ۱۶ سرفصل فعال مرتبط با رشته زبان و ادبیات عربی، کتاب *هجرة النصوص* به‌عنوان منبع درس «ترجمه عربی، نظریه و عمل» در مقطع کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی (مصوبه ۸۵۵ جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم،

تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۶) معرفی شده است که با توجه به اهداف و برنامه‌های طرح‌شده، برای این درس به نظر انتخابی بجاست. علاوه بر این می‌توان به‌عنوان منبع برای این درس‌ها معرفی کرد: منبع کمکی «فرهنگ، ایدئولوژی و ترجم» در مقطع دکتری مطالعات ترجمه عربی (مصوبه ۸۵۵ جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۶)، درس «ادبیات تطبیقی» در مقطع کارشناسی زبان و ادبیات عربی (مصوبه ۷۷۲ جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۷) و همان عنوان در سرفصل کارشناسی مترجمی زبان عربی (مصوبه ۸۲۵ جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰)، درس «ادبیات تطبیقی» در برنامه درسی بازنگری‌شده دوره دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات عربی (مصوبه ۸۶۱، مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۱۶) به دانشجویان معرفی شود که این کتاب می‌تواند به‌عنوان منبع کمکی در درس‌های مذکور دیدگاه‌های کاربردی و مفیدی را در پیش روی دانشجویان علاقه‌مند به مطالعات ترجمه و ادبیات تطبیقی قرار دهد. گذشته از مطالب طرح‌شده در کتاب *هجرة النصوص* در جای‌جای این کتاب می‌توان تقابل دو گفتمان فرهنگی و ادبی متضاد را دید. عبود در موارد بسیاری به تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وجود روابط فرهنگی و ادبی اشاره می‌کند و برآن است که جنگ خلیج با پیامدهای ویرانگر در خاورمیانه و جهان عرب، تصویر غلط و نامناسب از عرب و مسلمانان در غرب، دست بالا پیدا کردن گروه‌های طرفدار صهیونیسم و اسرائیلی‌ها در آلمان و پیش افتادن از عرب در اروپا و به‌ویژه در کشور آلمان با استفاده از وجود روابط ادبی - فرهنگی و با استفاده از احساس گناه آلمانی‌ها نسبت به رخ‌دادهای جنگ جهانی دوم و... همه را می‌توان معلول عللی دانست که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نبود یا ضعف روابط زبانی، ادبی و فرهنگی عرب با جهان است. بر همین اساس همان‌طور که اشاره شد، تحلیل انتقادی گفتمان با توجه به ابزارهایی که برای تحقیق در متون در اختیار می‌گذارد، می‌تواند چارچوب تحلیلی مناسبی برای نقد و بررسی کتاب *هجرة النصوص*، *دراسات فی الترجمة الأدبية و التبادل الثقافي* نوشته عبده عبود باشد.

### ۳-۳. تحلیل گفتمان انتقادی

همانگونه که پیش‌تر اشاره شد تحلیل گفتمان انتقادی از جمله چارچوب‌های تحلیل کارآمدی است که در سالیان اخیر بسیار مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و کوشش کرده‌اند که یا آن را به‌عنوان چارچوب نظری تحلیل خود به‌کار گیرند، یا به نقد، بررسی و تعریف آن پردازند و به همین سبب از تکرار مکررات در این زمینه تا حد ممکن پرهیز و کوشش می‌شود تا تنها چارچوب تحلیلی مورد استفاده در مقاله حاضر ترسیم و تعریف شود.

در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی سعی می‌شود که متن با توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی تولید آن، بررسی و فهمیده شود و در واقع در این روش متن به‌صورت برون‌گرا تحلیل می‌شود تا با استفاده از فرایندهای ایدئولوژیکی خوانش‌های متنوع و متعدد بینامتنی از متن به‌دست آید و تحلیل با بهره‌گیری از دانش‌های دیگر مثل جامعه‌شناسی فلسفه، تاریخ، ادبیات و... از جامعیت و گستردگی بهره‌مند شود (نک: آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶، صص. ۱۹-۲۰). از جمله شیوه‌های مهم تحلیل گفتمان انتقادی، روشی است که فرکلاف<sup>۴</sup> پیشنهاد می‌کند.

از نگاه برخی پژوهشگران الگوی پیشنهادی نورمن فرکلاف، منسجم‌ترین، جامع‌ترین و پرتفردترین نظریه را تدوین کرده است (سلطانی، ۱۳۸۷، ص. ۶۰). فرکلاف کوشش می‌کند که هم‌زمان سه شیوه تحلیل را با یکدیگر تلفیق کند: «تحلیل دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی ... تحلیل جامعه‌شناختی کلان‌کنش اجتماعی ... و سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی ...» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶، ص. ۳۹۶). فرکلاف متن‌ها را به تاریخ و جامعه وابسته می‌داند، یعنی برای تحلیل متن در الگوهای گفتمانی، باید به تاریخ و جامعه توجه داشت (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۲).

از نظر فرکلاف تحلیل گفتمان انتقادی می‌خواهد به‌صورتی منظم درمورد کنش‌های گفتمانی، متون، ساختارها، روابط و فرایندهای گسترده اجتماعی و فرهنگی تحقیق کند. فرکلاف در تحلیل انتقادی گفتمان به‌دنبال اثبات پیدایش رخدادها و متون از دل مناسبات قدرت است. «بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی سعی دارد به نحوی نظام‌مند کاربرد زبان و متن را در رابطه با کردار اجتماعی گسترده‌تر تحلیل کند و غالباً به دنبال بر ملا کردن دانش بدیهی انگاشته‌شده و طبیعی‌شده متن است» (همان، ص. ۳۹۲).

در تحلیل گفتمان انتقادی، توجه معطوف به مناسبت‌های تولید متن، گفتمان غالب، موقعیت، زمان، مکان، تولیدکننده، مخاطب، نوع ارتباط میان طرفین، روابط بینامتنی و بینافردی

بررسی مضامین کاربردی در سرفصل آموزشی رشته زبان و ادبیات عربی و... ۱۸۳

و... است (صفایی و علیزاده جوبنی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۸). به عبارت دیگر در این روش هدف ارائه تحلیلی از متن است که به غالب عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار در پیدایش و فهم و خوانش متن است.

در این رویکرد سه عنصر متن، کنش گفتمانی، کنش اجتماعی و متن در سه سطح یا مرحله تحلیل می‌شود: سطح توصیف، سطح تفسیر و سطح تبیین که به‌طور خلاصه می‌توان این سطوح را چنین شرح داد:

**- سطح توصیف:** در این سطح، با استفاده از زبان‌شناسی و ابزارهای مختلف آن مانند دستور زبان، نحو، صرف معنانشناسی، و... از واژگان و تعابیر گرفته تا جملات و متن و معنا، توصیف و تبیین می‌شود و در واقع در این سطح با پرداختن به ویژگی‌های صوری متن محقق قصد دارد نشان دهد که تفاوت‌های ایدئولوژیک، چگونه در بیان مفاهیم و بازنمایی از جهان، تأثیر می‌گذارد، بر همین اساس، در سطح توصیف به بررسی واژگانی و دستوری متن پرداخته می‌شود. در بررسی واژگان هدف یافتن پاسخ پرسش‌هایی از این جمله است: واژگان چه ارزش‌های تجربی مانند تضادها، گزینش واژگان، بسامدهای افراطی و... در خود دارند؟ ارزش‌های رابطه‌ای واژگان مانند لایه‌های زبانی، حسن تعبیرها و... کدام‌اند؟ چه ارزش‌های بیانی مانند بار ایدئولوژیک کلمات و معانی ضمنی و... را می‌توان در واژگان متن موردنظر تشخیص داد؟ در بررسی دستور، پرسش از این قبیل طرح می‌شود: ارزش‌های رابطه‌ای مانند وجه‌های خبری یا انشایی و... در متن کدام‌اند؟ چه ارزش‌های تجربی مانند جملات معلوم و مجهول و... در متن قابل تشخیص است؟ و در بررسی ارزش‌های بیانی پرسش از حروف ربط قابل تشخیص در متن و... مدنظر است (نک: نوروز و فرهود، ۱۳۹۵، صص. ۱۶۵-۱۷۱؛ قهرمانی و همکاران، ۱۳۹۸، صص. ۱۷-۱۸).

**- سطح تفسیر:** در سطح تفسیر با استفاده از دستاوردها و مطالب بخش توصیف متن موردبررسی با در نظر گرفتن بافت، کاربردشناسی، بینامتنیت و... اقدام به تحلیل متن می‌کنند. در این مرحله سؤال‌های اساس درباره چرایی و چیستی موضوع متن، مشارکت‌کنندگان در گفتمان و روابط میان آن‌ها طرح می‌شود و این سطح در واقع ترکیبی از محتواهای خود متن و ذهنیت مفسر است. «اساساً نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای غیرمستقیم است. این رابطه بیش از هر چیز توسط گفتمان که متن خود بخشی از آن است، برقرار می‌شود ... در تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و

لغوی تشکیل دهنده جمله به منزله عمده ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینه متن سروکار نداریم، بلکه به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و غیره سروکار داریم. بنابراین، تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی ... و عوامل برون زبانی ... بررسی می کند» (نوروز و فرهود، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۶).

**- سطح تبیین:** در سطح آخر یعنی سطح تبیین توجه معطوف دستیابی به علت تولید متنی این چنین از میان متون احتمالی دیگر و ارتباط آن متن خاص با عوامل تاریخی، اجتماعی، ایدئولوژی و ... است و در آن به بیان رابطه تعامل و بافت اجتماعی و تأثیرپذیری فرایندهای تولید و تفسیر از اجتماع توجه می شود (نک: فرکلاف ۱۳۷۹ و ۱۳۸۶؛ آقاگل زاده، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۵؛ آقاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶؛ کریمپور، ۱۳۹۵).

براین اساس در مقاله حاضر نیز کوشش بر آن است که متن کتاب *هجرة النصوص*، در این سه سطح تجزیه و تحلیل شده و تأثیر برخی عوامل متنی و فرامتنی در تولید و فهم متن این کتاب بررسی و همچنین برای فهم بهتر معانی این متن از ابزارهای تحلیل گفتمان انتقادی یاری گرفته شود.

#### ۴. تحلیل گفتمان انتقادی کتاب *هجرة النصوص*

##### ۴-۱. توصیف

بنابر تعاریف سطح توصیف به الگوی فرکلاف، پرداختن به ویژگی های بارز در واژگان، عبارت ها، جمله ها و ... به ویژگی های سطح ملموس متن توجه می شود و پیش تر به تقسیم بندی سطح واژگانی و دستوری و پرسش های طرح شده در این زمینه اشاره شد که می توان این تقسیم بندی را بدین گونه خلاصه کرد: سطح توصیف شامل واژگان (ارزش های تجربی، رابطه ای و بیانی) و سطح دستور (ارزش های تجربه ای، رابطه ای و بیانی).

##### ۴-۱-۱. واژگان

در بررسی ارزش های تجربی واژگان، از جمله ابزارهای کارآمد، می توان به بسامد واژگان اشاره کرد. پس از بررسی کتاب *هجرة النصوص* پرسامدترین واژگان با شمارش تقریبی به ترتیب عبارت اند از: ادب (هم خانواده های آن) ۶۴۹ به علاوه ادب عالمی ۲۴، ادب عربی ۱۷۷ مجموعاً



۸۵۰؛ ترجمه (ترجمات) ۶۵۹ به علاوه مترجم ۲۱۶ مجموعاً ۸۷۵؛ ثقافة (و هم خانواده‌های آن: ثقافات، ثقافی) ۵۳۴ به علاوه ثقافة عربیة ۶۹ مجموعاً ۶۰۳؛ واژه عرب (و هم خانواده‌های آن: عربی، عربیه) ۷۸۲؛ آلمان (و هم خانواده‌های آن: آلمانی، آلمانیه)؛ مجتمع ۳۷۲؛ لغة (یا لغات) ۳۴۳؛ استقبال (هم خانواده‌های آن: مستقبل، استقبال) ۳۵۹؛ نقد (و هم خانواده‌های آن: ناقد، منتقد) ۲۳۲؛ علاقة (و علاقات) ۱۹۵؛ اجنبی ۱۷۷؛ تلقی (و متلقى) ۱۴۷ و حركة الترجمة ۴۱ بار. علاوه بر این می‌توان به تکرار واژگانی با بسامد کم‌تر از این قبیل اشاره کرد: اقتصاد ۵۲ بار، أمة ۵۱ بار، جامعة (دانشگاه) ۷۵ بار، سياسة ۶۳ بار، شعب ۶۰ بار، غرب ۵۰ بار، انگلیزی ۱۳۵ و فرنیسی ۴۸ و وطن عربی ۴۱ بار، عالم عربی ۸۲ و إعلام ۳۶ بار. این بسامدها علاوه بر تمرکز موضوعی کتاب می‌تواند نشان از رویکرد کلی نگارنده داشته باشد؛ برای نمونه واژگانی مانند ثقافة (فرهنگ)، مجتمع (جامعه)، تلقی (دریافت متن در جامعه مقصد)، اقتصاد، سیاست، شعب (ملت)، وطن عربی، العالم العربی (جهان عرب) که تقریباً همگی حول محور جامعه می‌گردد در متن بسیار پرتکرار است.

گذشته از این می‌توان به شمول معنایی موجود در عبارت ذکر شده مانند ثقافة و ثقافة عربیه؛ ادب، ادب عالمی و ادب عربی، ترجمه؛ حركة الترجمة و حركة الترجمة الأدبیة؛ مجتمع و شعب؛ العالم العربی و الوطن العربی نیز اشاره کرد. با بررسی متن می‌توان گفت که از نظر لایه‌های زبانی، نوشته زبانی تقریباً یکدست دارد و تنها در دو مورد از یک ضرب‌المثل عربی عامیانه (أطرش فی زفة) استفاده شده که خود نگارنده به این مسئله اشاره کرده است. گذشته از این از جمله ارزش‌های رابطه‌ای می‌توان به کاربرد ضمیر متکلم مع‌الغیر (نا/ نحن) در مواردی اشاره کرد که به زبان یا مسئله‌ای مربوط به ادبیات یا جهان عرب مرتبط است؛ مانند «و من الملاحظ أنَّ الالمستشرقین الأوروبیین یقیمون النوعیة الجمالیة للأعمال الأدبیة العربیة تقییماً مختلفاً عن تقییمنا نحن العرب، لتلك الأعمال» (عبود، ۱۹۹۵، ص. ۶۴).

همان‌گونه که اشاره شد در بررسی ارزش‌های بیانی، جست‌وجوی برای یافتن واژگانی با معنای ایدئولوژیک یا معنای ضمنی صورت می‌گیرد. برخی از واژگانی یا عبارات پربسامد متن که می‌توان آن را این‌چنین دانست، عبارت است از: وطن عربی و عالم عربی که کاربرد این عبارات و مشابه آنها نشان از جهان‌بینی ناسیونالیستی عرب، مبنی بر اینکه تمام کشورهای

عربی وطن همه کسانی است که به این زبان سخن می‌گویند و نیز کاربرد واژه قطر عربی یا اقطار عربیه به جای بلد عربی یا بلدان عربیه هم می‌تواند گواهی بر تأیید همین نظر باشد. گذشته از این، بسامد اشاره به زبان‌های مختلف نیز می‌تواند نشان‌دهنده دیدگاه گرایش و تمرکز عبود به زبان‌های مختلف باشد. بیشترین اشاره در کتاب ابتدا به زبان آلمانی، بعد از آن زبان انگلیسی و سپس فرانسوی است و این درحالی است که تنها سه بار به زبان ترکی دو مرتبه به زبان فارسی اشاره کرده است.

#### ۲-۱-۴. دستور

غالب جمله‌ها در کتاب هجرة النصوص از نوع جملات خبری و معلوم هستند و کم‌تر جملاتی با فعل مجهول یا در قالب انشا در آن به کار رفته که با توجه به ماهیت کتاب، طبیعی به نظر می‌رسد. باوجوداین، جملات پرسشی و جملات مجهول نیز در آن وجود دارد که در غالب این جملات نیز دو فعل مجهول تُرجم (ترجمه شده است) و يُستقبل (دریافت می‌شود)، به کار رفته است که می‌توان تفسیر این کاربرد خاص را با اهمیت بیشتر خود فعل و ترجمه شدن و دریافت شدن متن در زبان مقصد، مرتبط دانست. این نکته با نگاهی به بسامد بسیار زیاد واژه ترجمه فعل‌های ترجم، یترجم و تُرجم (مجهول)، یعنی مجموعاً حدود ۸۷۵ بار و نیز تکرار ۳۵۹ مرتبه هم‌خانواده‌های فعل استقبال، تأکید می‌شود.

گذشته از این غالب جملات پرسشی در معنای ثانویه پرسش و به هدف اقرار و همراه ساختن مخاطب با خود و انکار به کار رفته است. چنین جملاتی در نقد گرایش عزلت‌طلب و مخالف ترجمه به کار رفته است که اعتقاد چندانی به تأثیر روابط بین‌فرهنگی و منافع فراوان آن برای هر دو فرهنگ گیرنده و فرستنده در عمل ترجمه، به‌ویژه ترجمه ادبی، ندارند. برای نمونه واژه مصلحة (سود/منفعت) به تنهایی تقریباً ۴۶ بار در این نوشته تکرار شده است و غالباً به منافع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روند دریافت متون یک زبان در زبان دیگر اشاره دارد.

نقد گرایش به عزلت‌طلبی در سطح بین‌الملل و گرایش‌های بنیادگرایی در برخورد با پدیده‌های فرهنگی از جمله ترجمه، از مباحث پرتکرار در کتاب هجرة النصوص و نشان‌دهنده تأکید و حساسیت عبود در آن مورد است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که عبود در موارد بسیاری به دفاع از روابط بین‌فرهنگی و ترجمه پرداخته و منافع آن را برای زبان و فرهنگ

عربی بیان کرده است (دست‌کم در بیست مورد در صفحات مختلف کتاب به این مسئله اشاره شده) و در موارد متعدد به نقد جریان عزلت‌طلب و گاه سلفی و بنیادگرا پرداخته است. از دیگر موضوعات مهمی که بارها عبود به آن اشاره می‌کند، مسئله دیدگاه‌های منفی به عرب در جهان غرب، نبود روابط بین‌فرهنگی و به تبع آن پیامدهای شومی مانند جنگ خلیج است. از دیدگاه عبود جنگ خلیج که چندین بار عبارت حرب الخلیج المشؤومة را درباره آن به کار می‌گیرد (همان، ص. ۲۲، ۹۸، ۱۵۵)، پیامد نبود روابط درست با غرب بوده که با ترسیم تصویری خطا و منفی از عرب، به لشکرکشی عالم غرب به خاورمیانه و کشورهای عربی منجر شد و این تصویر منفی، در همراه کردن افکار عمومی با این لشکرکشی بسیار مؤثر بود: «... أن تلك الحواجز تجعل التواصل بين العرب والألمان عسيرا مما يخلق أرضية ملائمة لظهور الكثير من حالات سوء التفاهم عبر-الثقافي... و سوء التفاهم بدوره يمهد الطريق لنشوء خلافات، وربما صراعات سياسية قد تتطور إلى صراعات عسكرية. و يكفى في هذا السياق أن نذكر بالحروب الصليبية في العصور الوسطى، و بالغزوات الإستعمارية الحديثة، و بحرب الخلیج الأخيرة... و أخيراً فقد وقفت حكومة جمهورية ألمانيا الاتحادية في حرب الخلیج الثانية إلى جانب الولايات المتحدة، فقدمت لها الدعم المالي و الدبلوماسي و الإعلامي...» (این موانع باعث سخت‌تر شدن ارتباط بین عرب و آلمانی می‌شود که زمینه مناسبی را برای پیدایش سوءتفاهم‌های بین‌فرهنگی زیادی می‌شود... این سوءتفاهم نیز به‌نوبه خود باعث ایجاد اختلافات و حتی شاید درگیری‌های سیاسی می‌شود که آن هم می‌تواند به درگیری‌های نظامی منجر شود. در این سیاق کافی است که به جنگ‌های صلیبی در قرون وسطی، هجمه‌های استعماری معاصر و همین جنگ خلیج را مثال بیاوریم... بالأخره نیز حکومت آلمان اتحادی در جنگ خلیج در کنار ایالات متحد ایستاد و از نظر مالی، دیپلماتیک و رسانه‌ای آن‌ها را پشتیبانی کرد؛ همان، صص. ۸۹-۹۰). در این فراز که برای نمونه ذکر شد، علاوه بر تکرار تأکید بر تأثیر نبود روابط فرهنگی در ایجاد تصویر غلط از عرب و تبعات سیاسی، اقتصادی و نظامی این سوءتفاهم، می‌توان به واژگان و عباراتی همچون عسیر، ارضیه ملائمة، حرب الخلیج الأخيرة اشاره کرد که نشان می‌دهد از نظر مؤلف زمینه‌های مناسب این سوءتفاهم به‌واسطه ضعف روابط بین‌فرهنگی هرگاه ایجاد شده، درگیری‌ها و تبعات منفی برای شرق در پی داشته که آخرین مثال آن جنگ خلیج است. گفتنی است که در زمان تألیف کتاب یعنی

سال ۱۹۹۵ هنوز حمله به افغانستان و عراق، داعش، ورود به سوریه، صدور سلفی‌گری از اروپا به خاورمیانه و... رخ نداده بود (درباره جنگ دوم خلیج و عملیات طوفان صحرا، نک: حرب بیار سالینجر و اریک لوران (۱۹۹۳) الخلیج الملف السری؛ و به زبان فارسی برای مثال مقاله معصومه طاهری موسوی (۱۳۸۵) ژئوپولتیک جنگ دوم خلیج فارس).

از جمله نکته‌های مهمی که عبود در نقد شرایط و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در جهان عرب اشاره می‌کند، این است که نمایندگان عرب در خارج (آلمان به‌منزله نمونه) توانایی‌های لازم و آشنایی با زبان آن کشورها را ندارند و حتی دیپلمات‌های عرب در این کشورها، نمی‌توانند به زبان آلمانی سخن بگویند و به زبان انگلیسی اکتفا می‌کنند. وی این ضعف را به‌ویژه در سطح دیپلماتیک در تقریباً هشت مورد، نقد کرده که از جمله می‌توان به این نقد شدید او از ضعف عوامل دستگاه دیپلماتیک در آلمان اشاره کرد: «... صحیح آن بوسع الدبلوماسية العربیة أن یکتفی بالفرنسیة أو الإنکلیزیة و أن یتستغنی عن الألمانية، و لكن ألیس من الأفضل له، و للقطر العربی الذی یمثل مصالحه فی بلد ألمانی اللغة، أن یلم بالألمانیة، و إن تطلب منه ذلك بذل الجهد؟... إن دبلوماسياً كهذا لن یكون أكثر من «أطرش فی الزفة» كما یقول المثل الشعبي (...). (درست است که دیپلمات عرب می‌تواند به انگلیسی یا فرانسوی اکتفا کند و نیاز به آلمانی نداشته باشد، اما آیا برای خودش و کشور عربی که او در کشوری آلمانی زبان حافظ منافعیست، بهتر نیست که به زبان آلمانی تسلط داشته باشد، گرچه این کار نیاز به تلاش داشته باشد؟... چنین دیپلماتی به قول ضرب‌المثل عامیانه مانند «أطرش فی الزفة» است؛ همان، صص. ۱۲۳-۱۲۴). گذشته از کنایه‌ای که در جمله «و إن تطلب منه ذلك بذل الجهد» نهفته است، کاربرد ضرب‌المثل عامیانه فوق در این ساختار می‌تواند به‌صورت ضمنی نشان‌دهنده اعتراض شدید و نیز تمسخر چنین افراد و گزینش آن‌ها باشد. اصل این ضرب‌المثل به شخصی با شنوایی اندک اشاره دارد که توانایی درک صداها را ندارد و موبک عروس هرگاه صدای بلندی می‌شنید بدون اینکه معنای آن را درک کند به اطراف نگاه می‌کرد و در زبان عربی عامیانه برای کسی به‌کار می‌رود که سخنی را نمی‌فهمد، اما می‌خواهد تظاهر به فهمیدن آن کند (نک: ابراهیم الزعبی (۲۰۱۸)، الأمثال الشعبية و مناسباتها).

مسئله دیگری که در کتاب هجرة النصوص بارها بدان اشاره شده، منافع اقتصادی عرب در رابطه با آلمان، نیاز بیشتر عرب به داشتن این رابطه و ضعف عملکرد آن‌ها علیرغم نیاز بیشتر

است که تقریباً سی مرتبه در کتاب به این عملکرد ضعیف عرب علی‌رغم نیاز بیشترشان به این ارتباط اشاره شده است

#### ۲-۴. تفسیر

همانگونه که پیش از این اشاره شد، در این سطح، با استفاده از مطالب و دستاوردهای سطح توصیف با استفاده از موقعیت زمانی و مکانی ایجاد متن، مضامین متون تفسیر می‌شود. درباره شرایط زمان تألیف کتاب، با توجه به اینکه عبود در سوریه به سر می‌برده، می‌توان به تحولات سیاسی در دو سطح بین‌المللی و داخلی سوریه اشاره کرد.

در سطح بین‌المللی، جدا از حمله صدام حسین به کویت، ورود جهان غرب به صحنه جنگ به بهانه دفاع از کویت و برای لگام زدن به جنون صدام، جهان در سالیان اولیه پس از فروپاشی اتحادیه شوروی سابق به سر می‌برد و تلاش‌ها برای استقلال و جدایی در کشورهای این منطقه ادامه داشت و کشورهای جهان عرب نیز که در آن‌ها گرایش‌های بعثی و کمونیستی پررنگ بود، تبعات فرهنگی و سیاسی این رخدادها دیده می‌شد. از سوی دیگر، سوریه که نظامی کمونیستی با مدیریت و رهبری حزب بعث داشت از یک‌سو شاهد فروپاشی شوروی و تلاش روسیه و کشورهای شوروی سابق برای برقراری ارتباط به جهان بود، و از سوی دیگر قهرمانی ملی مانند حافظ آسد رهبری این کشور را برعهده داشت که در حال برقراری ارتباط با امریکا و مذاکره با رهبران جهان برای حل مسئله تجاوزهای رژیم صهیونیستی به کشورهای سوری، لبنان، مصر و البته اشغال فلسطین بود. از سوی دیگر، جنبش‌های بنیادگرای اسلامی در کنار جریان‌های اخوانی در حال فعالیت در کشورهای عربی و سوریه بودند. اخوان نیز با توجه به شرایط تفکرات نزدیک به کمونیسم در حال ظهور بود، چراکه «دولت سوریه ضعیف می‌شد اخوان بار دیگر ظهور می‌کرد و قدرت می‌گرفت...» (دیب، ۲۰۱۲، ص. ۵۴۱)؛ درباره تاریخ معاصر سوریه، ارتباط سوریه با اتحاد جماهیر شوری سابق و نیز پیدایش زمینه‌های جنگ داخلی سوریه نک: کمال دیب (۲۰۱۵)، الحرب السوریة تاریخ سوریه المعاصر؛ و (۲۰۱۲) تاریخ سوریه المعاصر من الإنتداب الفرنسي إلى صیف، ۲۰۱۱).

همچنین جهان عرب و اسلامی در شرق، در سال‌های پایانی قرن بیستم، به این نتیجه رسیده بودند که باید از کشورهای تولیدکننده نفت با اقتصاد تک‌محصولی به کشورهای در حال توسعه و سپس پیشرفته تبدیل شوند که در آن رفاه نسبی اقتصادی و فرهنگی در این کشورها

حاصل شده باشد. با توجه به این مسئله و نیز با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی ذکر شده، می‌توان دلیل پژوهاک و تکرار مسائل فوق و اهمیت ارتباطات فرهنگی و تبعات سیاسی، اجتماعی را در کتاب *هجرة النصوص*، تا اندازه‌ای درک کرد.

#### ۳-۴. تبیین

همانطور که اشاره شد، در کتاب *هجرة النصوص* پژوهاک شرایط اجتماعی و سیاسی جهان عرب و وضع نامطلوب کشورهای عربی و تصویر زشتی که در افکار عمومی از عرب در حال رسوخ بود، قابل تشخیص است. با تأمل در مطالب کتاب و این شرایط، می‌توان به نگرانی‌های اصلی عبده عبود پی برد که او را برای نگارش اثر به شکل کنونی واداشته است؛ یعنی همین تصویر منفی و خطا از مسلمانان و عرب‌ها در ذهن غربی‌ها، محروم شدن از منافع فراوان داشتن ارتباط با غرب، نگرانی از ظهور گرایش‌های عزلت‌طلبی و نیز به صورت ضمنی نگرانی از قدرت گرفتن بنیادگرایی و سلفی‌گری، نداشتن برنامه و آشفستگی در زمینه ارتباطات بین‌فرهنگی، نبود شایسته‌سالاری مناصب مرتبط با ارتباطات فرهنگی و پیامدهای منفی اشغال این مناصب و ... .

و در مجموع می‌توان با توجه به واژگان و دستور کتاب گفت که عبود در این نوشته، با این دیدگاه دست به قلم برده است که جهان عرب مشکلات فراوانی در بخش‌های سیاست، اقتصاد و روابط فرهنگی در سطح بین‌المللی دارد. همچنین با توجه به واژگان و جمله‌های بررسی شده، دیدگاه‌های ناسیونالیستی عربی، مبنی بر اینکه تمام کشورهای عربی وطن تمام عرب‌هاست، کشورهای عرب را می‌توان خود دنیایی دانست که ویژگی‌های فرهنگی و ملی مختص خود را دارد، اما از سوی دیگر بخش عمده‌ای از مشکلات این وطن عربی به عدم توازن در روابط بین‌المللی به‌ویژه در زمینه فرهنگ و اقتصاد برمی‌گردد. در زبان آلمانی بخش عمده ترجمه‌های از زبان عربی را مستشرقان آلمانی انجام داده‌اند و خود عرب کارچندان در این زمینه انجام نداده است، بلکه تنها به ترجمه از زبان‌های انگلیسی و تاحدودی فرانسوی اکتفا کرده است که در این رابطه نیز غالباً نقش گیرنده داشته است، حال آنکه از نگاه عبود داشتن روابط با جهان به‌ویژه غرب، می‌تواند منافع دوجانبه داشته باشد و حتی به نظر او بیشتر منافع به عرب‌ها می‌رسد که در زمینه روابط فرهنگی در حال باخت در برابر دشمن خود اسرائیل و صهیونیست‌ها هستند.

از دید عبود، سستی و ضعف عرب از یک طرف و پیش‌دستی صهیونیست‌ها از طرف دیگر باعث شده که عرب نتواند از منافع فراوان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود در آلمان بهره‌ای بگیرد و حتی اسرائیل با برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری فرهنگی صحیح، توانسته است که عرب و مسلمانان را در این زمینه به حاشیه براند. «مع أن تلك الأسباب قد زالت، فإن بعض الأوساط الغربية مازالت تمارس تشويه صورة العرب مستغلة المظاهر السلبية التي برزت في الواقع العربي الحديث و من الواضح أن تلك الأوساط تتلقى دعماً من الصهيونية التي تبذل قصارى جهدها لتشويه صورة العرب في الرأي العام العالمي كي تبرّر للعالم اغتصابها لفلسطين و ممارستها العنصرية ضد الشعب الفلسطيني و عدوانها المتواصل على الأمة العربية...» (با اینکه آن علل از بین رفته اما برخی محیط‌ها هنوز در تقيح تصویر عرب تلاش دارند و در این راه از پدیده‌های منفی که در جهان معاصر عرب رخ داده است، بهره می‌گیرند و روشن است که این محیط‌ها از صهیونیسم کمک دریافت می‌کنند؛ صهیونیسمی که تمام تلاش خود را می‌کند که تا تصویر عرب را در افکار عمومی جهان زشت جلوه دهد تا از این طریق غصب فلسطین، اعمال نژادپرستانه خود بر علیه ملت فلسطین و نیز دشمنی دائمی خود را با ملت عرب، توجیه کند) (همان، صص. ۶۸-۶۹).

این علل همه و همه در کنار اهمیت ترجمه ادبی در برون‌رفت از این وضعیت، تخصص نویسنده در زبان آلمانی، اهمیت ترجمه در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و نیز در مطالعات ادبیات تطبیقی و... به تألیف کتاب *هجرة النصوص* در شکل و سیاق کنونی منجر شده است.

#### ۴-۴. نتایج

کتاب *هجرة النصوص*، *دراسات في الترجمة الأدبية و التبادل الثقافي* نوشته عبده عبود، اثری است که به مبحث ترجمه در ادبیات تطبیقی و روابط بین‌فرهنگی پرداخته است که از نظر موضوعات مطرح شده، نظم منطقی مطالب، شیوه نگارش، کمبود خطاهای نگارشی، ذکر منابع اصلی مباحث، اشاره به مباحث فرعی در پی‌نوشت‌ها و... اثری ارزشمند است که می‌تواند به‌منزله منبع پژوهشی در این موضوعات به پژوهشگران معرفی شود، اما با توجه به بروز بسیاری از دیدگاه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در این کتاب طرح شده، مقاله حاضر

به بررسی این اثر از منظر تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته است که مهم‌ترین نتایج این بررسی را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- در سطح توصیف، پربسامدترین واژگان در کتاب بررسی شد که با بررسی این واژگان می‌توان گفت: واژگانی مانند ادب، ترجمه، ثقافه (فرهنگ)، نقد، استقبال، دریافت ادبیات و متون عربی در کشورهای غیرعرب به‌ویژه اروپا و آمریکا و هم‌خانواده‌های این واژگان نشان از دیدگاه فرهنگی عبود به حل مشکلات جهان عرب دارد.

- عبود با نگاهی ناسیونالیستی تمام کشورهای عربی را یک وطن واحد برای همه عرب‌ها می‌داند و بر آن است که این وطن واحد به‌سبب عزلت و اکتفا به نقش‌گیرنده آن هم تنها از دو زبان انگلیسی و فرانسوی، در سطح بین‌المللی و جهانی به تصویر درستی از خود ترسیم نکرده است.

- اسرائیل و گرایش‌های صهیونیستی در جهان با استفاده از این کم‌کاری عرب‌ها در حال ترسیم چهره‌ای خطا از عرب در جهان هستند که این تصویر تاکنون به ضرر کشورهای عربی تمام شده و لازم است که اقدامی فوری در این زمینه انجام گیرد.

- از نظر عبود کلید حل این مشکل فرهنگی است و لازم است تا با اقدامات فرهنگی و معرفی فرهنگ خود به جهان از راه ادبیات و دریافت این ادبیات در جهان خارج، تصویری صحیح از عرب ترسیم شود و براین اساس فواید روابط فرهنگی به هر دو طرف گیرنده خواهد رسید.

- در سطح توصیف تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی جهان، منطقه عرب و به‌ویژه سوریه، در اهمیت یافتن روابط بین‌فرهنگی، جریان‌های بنیادگرا، جریان‌های مخالف ترجمه و ارتباط با تمامی فرهنگ‌های و... قابل ردیابی است.

- در سطح تبیین نیز علاوه بر انعکاس شرایط موجود، نگرانی‌های نویسنده در زمینه علم‌کرد ضعیف کشورهای عربی و ازدست رفتن منافع عرب در غرب و قدرت گرفتن صهیونیسم و اهمیتی که برعکس عرب برای این روابط قائل‌اند و نیز نگرانی از تصویر منفی که در جهان از عرب ترسیم شده و توابع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این تصویر، اهمیت ترجمه در روابط بین‌فرهنگی، اهمیت ترجمه در ادبیات تطبیقی و... باعث شده است تا متن کتاب شکل کنونی را به خود بگیرد.



پی‌نوشت‌ها

1. I. Even-Zohar

۲. روستایی از ریف دمشق سوریه، واقع در بین جبال قلمون، سلسله جبال سوریه و سلسله جبال لبنان، در مسیر دمشق به حمص.

3. Hermann Hesse

4. Fairclough

منابع

- آفاگل زاده، ف.، و طارمی، ط. (۱۳۹۵). تحلیل زبان‌شناختی گفتمان‌های رقیب در پرونده بوسیه‌های تحصیلیک رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف. *جستارهای زبانی*، ۶ (۳۴)، ۳۹۱-۴۱۴.
- آفاگل زاده، ف. (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات. *ادب پژوهی*، ۱، ۱۷-۲۷.
- آفاگل زاده، ف. (۱۳۸۶). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- باسنت، س. (۱۳۹۰). *از ادبیات تطبیقی تا ترجمه پژوهی*. ترجمه صالح حسینی. تهران: ادبیات تطبیقی.
- پروینی، خلیل (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در جهان عرب، نقدی بر الأدب المقارن مشکلات و آفاق. *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱، ۱-۱۷.
- حرب بیار، س.، و اریک، ل. (۱۹۹۳). *الخليج الملف السرى*. بیروت: شركة المطبوعات للتوزيع والنشر.
- الخطیب، ح. (۱۹۹۹). *آفاق الأدب المقارن عربيا و عالميا*. بیروت: دارالفکر المعاصر.
- دیب، ک. (۲۰۱۲). *تاریخ سوریه المعاصر، من الإنتداب الفرنسى الى صیف ۲۰۱۱*. بیروت: دارالنهار للنشر.
- دیب، ک. (۲۰۱۵). *الحرب السوریة تاریخ سوریه المعاصر*. بیروت: دارالنهار للنشر.
- الزعبی، ا. (۲۰۱۵). *الأمثال الشعبیة و مناسباتها*. بیروت: دارالکاتب.
- سلطانی، س.ع.ا. (۱۳۸۷). *قدرت، گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی.
- صفایی، ع.، و علیزاده جوبنی، ع. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان و گفتمان طنز در شعر «حرف آخر» شاملو. *زبان و ادبیات فارسی*، ۱۷، ۱۳۳-۱۵۴.
- طاهری موسوی، م. (۱۳۸۵). *ژئوپلتیک جنگ دوم خلیج فارس: فصل‌نامه جغرافیایی سرزمین*، ۹، ۱۱۱-۱۰۳.
- طهماسبی، ع.، و همایونی، س.، و صابری، ش. (۱۳۹۲). *لایه‌های زبانی و بافت بیرونی در تعادل ترجمه‌ای*. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۷، ۱۵۱-۱۷۶.

۱۹۴ نقدنامه زبان و ادبیات عربی، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

عبود، ع. (۱۹۹۵). هجرة النصوص، دراسات في الترجمة الأدبية و التبادل الثقافي. دمشق: منشورات اتحاد كتاب العرب.

عناني، م. (۲۰۰۳). الترجمة الأدبية بين النظرية و التطبيق. القاهرة: الشركة المصرية العالمية للنشر - لونجمان.

کریمپور، ن. (۱۳۹۵ ب). تحلیل گفتمان اقتصادی اشعار خاقانی شروانی. زبان و ادبیات فارسی، ۸۱، ۲۲۳-۲۵۵.

هولمز، ج. و ایتامار، ا.ز. و هنس، و. و ونوتی، ل. (۱۳۹۰). بازانادیشی ترجمه. ترجمه م. بلوری و ک. بلوری. تهران: قطره.

سرفصل و برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی ارشد، مترجمی زبان عربی، مصوبه ۸۵۵ جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۶.

سرفصل و برنامه‌های درسی مقطع دکتری تخصصی، رشته مطالعات ترجمه عربی، مصوبه ۸۵۵ جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۶.

سرفصل درسی مقطع کارشناسی پیوسته زبان و ادبیات عربی، مصوبه ۷۷۲ جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۷.

سرفصل و برنامه‌های درسی کارشناسی پیوسته، رشته مترجمی زبان عربی مصوبه ۸۲۵ جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰.

برنامه درسی بازنگری شده دوره دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات عربی، مصوبه ۸۶۱ جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۱۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی